فقط فیلم‌های کمدی نیستند که خوب می‌فروشند!

سینمای ایران تشنه ژانرهای مختلف

در حال حاضر فیلم «سه کام حبس» یک درام اجتماعی است که با توجه به تلخی سوژه‌اش، توان کشاندن مردم را به سینما دارد. این فیلم با بهره‌گیری از کارگردانی درست و داستان پرتعلیقش، مخاطبش را ناراضی به خانه نمی‌فرستد. «کت چرمی» به عنوان آخرین ساخته محمدحسین مهدویان نیز در ژانر پلیسی و معمایی اکران شده و با وجود اینکه در قد و قواره‌های فیلم‌های قبلی مهدویان نیست ولی مردم همچنان علاقه‌مند به تماشایش هستند.

داشتن تنوع ژانری در سینما امری ضروری است و تکیه کردن به یک یا دو ژانر ثابت، باعث دوری مردم از سالن‌های سینما خواهد شد. سینمای ایران در سال‌های اخیر با تکیه بر ژانر کمدی، به مسیرش ادامه داده و توانسته بخشی از هزینه‌هایش را در بیاورد ولی ادامه این روند، خوشایند بخش زیادی از سینمادوستان نخواهد بود. باید ترکیب چینش فعلی سینما را ترکیبی ایده‌آل از ژانرهای مختلف دانست. همین چینش هوشمندانه تأثیرش را خیلی زود نشان داده و آمار فروش فیلم‌ها در چند هفته اخیر حکایت از استقبال مردم دارد. در حال حاضر ۱۰ فیلم در حال اکران هستند و به لحاظ کمی و کیفی آمار خوبی را رقم زده‌اند. «فسیل» به عنوان اتفاقِ خوبِ این روزهای سینما، توانسته یک تنه ۴ میلیون مخاطب را به سینما بکشاند و فروشی ۱۸۰ میلیاردی را ثبت کند. این فیلمِ کمدی از نوروز به روی پرده رفته و فروش خیره‌کننده‌اش عاملی شده تا همچنان روی پرده سینماها بماند. فسیل با گذشت سه ماه، همچنان بیننده دارد و می‌تواند تا چند روز دیگر رکورد فروش ۲۰۰ میلیارد تومانی را بزند.

با فصل شروع اکران‌ها، «شهر هرت» دیگر فیلم کمدی‌ای بود که خیلی زود مخاطبانش را پیدا کرد و در مدت زمان کوتاهی بیش از ۸ میلیارد فروش کرد. «آهنگ دو نفره» نیز فیلم کمدی دیگری است که همچنان تماشاگر خودش را دارد و بد نمی‌فروشد. فروش بالای فیلم‌های کمدی در چند وقت اخیر، بحث‌های زیادی را درباره تک ژانری شدن سینمای ایران مطرح کرده بود. بسیاری از کارشناسان و منتقدان با ابراز نگرانی از نادیده گرفتن ژانرهای دیگر، می‌گفتند که سینما فقط ژانر کمدی نیست و باید بتوانیم مردم را با تمامی ژانرها آشنا کنیم. این حرف، حرف درستی است ولی در تمام دنیا، بعضی فیلم‌ها شاید به لحاظ محتوایی خیلی غنی نباشند اما وجه سرگرم‌کننده‌شان، می‌تواند مخاطب زیادی را به سینما بکشاند. در سینمای ایران فیلم‌های کمدی چنین کارکردی دارند و سود خوبی را نصیب سازندگانش می‌کنند. البته سینمای ایران نشان داده اگر فیلم‌های غیرکمدی خوش‌ساخت و جذاب در آن ساخته شود، مردم علاقه‌مند به دیدنش هستند. در حال حاضر فیلم «سه کام حبس» یک درام اجتماعی است که با توجه به تلخی سوژه‌اش، توان کشاندن مردم را به سینما دارد. این فیلم با بهره‌گیری از کارگردانی درست و داستان پرتعلیقش، مخاطبش را ناراضی به خانه نمی‌فرستد. «کت چرمی» به عنوان آخرین ساخته محمدحسین مهدویان نیز در ژانر پلیسی و معمایی اکران شده و با وجود اینکه در قد و قواره‌های فیلم‌های قبلی مهدویان نیست ولی مردم همچنان علاقه‌مند به تماشایش هستند. «نگهبان شب» نیز نام رضا میرکریمی را به عنوان کارگردان یدک می‌کشد و در میان فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران، فیلم بدی نیست. فیلم «مصلحت» با سوژه‌ای سیاسی و حساس بالاخره رنگ پرده سینما را به خود دید و فروش قابل قبولش تا امروز، نشان می‌دهد مخاطبان سینما نسبت به چنین فیلم‌هایی کنجکاو هستند. فیلم «تصور» در بخش منتقدان جشنواره فیلم کن به نمایش درآمده و می‌تواند نظر مخاطبان خاص‌پسند سینما را تأمین کند. با وجود اتفاقات متفاوت در سال‌ها اخیر، سینمای ایران روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. حال به نظر می‌رسد با گذر از روزهای نه چندان خوب، می‌توان به آینده سینمای ایران امیدوار ماند. سینمایی که برای پیشرفتش، باید مدیریت درست را هم به ساخت فیلم‌های باکیفیت ضمیمه کرد.

رضا میرکریمی و نگهبان شب

خبری از شگفت‌زده شدن نیست

احمد محمدتبریزی / برای ما که رضا میرکریمی را با فیلم‌های معناگرایانه و مهمی مثل «زیر نور ماه»، «خیلی دور، خیلی نزدیک» و «یه حبه قند» می‌شناسیم، تماشای «نگهبان شب» تجربه خوشایندی نخواهد بود. نه اینکه «نگهبان شب» فیلم بدی باشد، بلکه روح تشنه مخاطبی که انتظار دیدن فیلمی سطح بالا را دارد، ارضا نمی‌کند. کارنامه فیلمسازی میرکریمی در چند سال اخیر کارنامه‌ای پرفرازونشیب بوده است. او پس از درخشیدن با «زیر نور ماه»، «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «به همین سادگی» و «یه حبه قند» انگار دچار رخوت و ضعف در فیلم‌هایش شده است. «امروز» و «دختر» فیلم‌های متوسط و معمولی‌ای بودند که کمتر نشانه‌های قبلی سینمای میرکریمی را می‌شد در آنها مشاهده کرد.

میرکریمی با چند فیلم اولش به نامی با اعتبار در سینمای ایران تبدیل شد و در ادامه مسیر فیلمسازی‌اش به دست‌انداز افتاد. این اتفاق خوبی برای میرکریمی به شمار نمی‌رود. یک فیلمساز اگر می‌خواهد همیشه در اوج بماند، باید فرازونشیب‌هایش را به حداقل برساند. داشتن روند سینوسی می‌تواند بیشترین ضربه را به اعتبار یک فیلمساز بزند.

میرکریمی با توجه به ضعف‌های فیلم‌های اخیر برای ساخت «قصر شیرین» تصمیم گرفت برای نوشتن فیلمنامه به سراغ فیلمسازی جوان و با ایده‌ای به نام محسن قرایی برود. در نهایت «قصر شیرین» یک فیلم جاده‌ای خوش‌ساخت و سرحال درآمد و بار دیگر درک بالای کارگردانش از سینما را به رخ کشید، اما این اوج گرفتن میرکریمی بار دیگر با سکته همراه شد تا «نگهبان شب» برخلاف انتظارها، آن چیزی نباشد که طرفداران سینما از این کارگردان انتظار داشته باشند.

«نگهبان شب» بیش از اندازه فیلم ساده‌ای است و آن پیچیدگی‌های آشنا در فیلم‌های میرکریمی را ندارد. ساده بودن داستان در سینمای میرکریمی موضوع غریبی نیست. او در دل داستان‌های ساده فیلم‌هایش، معنا و مفاهیم قابل‌توجهی برای دریافت قرار می‌داد، اما این‌بار خبری از آن عناصر معناگرایانه نیست. در «نگهبان شب» همه چیز رو و سطحی بیان می‌شود و تماشاگر را درگیر خودش نمی‌کند. تقابل پسری فقیر و روستایی با انسان‌های گرگ و دغل شهری، یکی از ایده‌های تکراری فیلمسازی است که بارها در سینمای خودمان نمونه‌اش ساخته شده است.

وقتی قرار است فیلمی براساس سوژه‌ای که بارها دستمایه ساخته شدن قرار گرفته است ساخته شود، باید در آن، جایی برای شگفتی مخاطب و هیجان‌زده کردن او بگذارد، اما در «نگهبان شب» خبری از شگفت‌زده شدن نیست و فیلم تا انتها بر مدار داستان خطی و ساده‌اش پیش می‌رود و تمام می‌شود. در «نگهبان شب» نه مثل «یه حبه قند» از پیچش‌های داستان و کارگردانی خبری هست، نه مثل «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «به همین سادگی» و «زیر نور ماه» با شخصیت‌هایی با درونیاتی پیچیده طرف هستیم که هر کنش و واکنش او برای تماشاگر جذابیت زیادی دارد. هیچ‌کدام از شخصیت‌های آخرین فیلم میرکریمی سمپاتیک نیستند و اجازه همراهی به مخاطب را نمی‌دهند. حتی گاهی سادگی و انفعال بیش از اندازه آنها حرص‌آور می‌شود.

به نظر می‌رسد میرکریمی قصد داشته است با استفاده از اتفاقات روز جامعه فیلمی متناسب و همراه با روح زمانه‌اش بسازد ولی سادگی و رو بودن بیش از اندازه فیلم در داستان، جایی برای مانور دادن بیشتر نمی‌گذارد. تقابل کارگر ساده‌دل با سرمایه‌داران کلاهبردار یا تقابل اخلاقی و بی‌اخلاقی، مسائلی رو و آشکار در جامعه هستند که برای پردازش آن در سینما، فیلمساز باید دست پرتری داشته باشد.

شخصیت رسول در نقش کارگر و نگهبان ساختمان پتانسیل زیادی برای پرداخت داشت ولی نگاه محافظه‌کارانه کارگردان اجازه فعلیت به او نداد. در هیچ‌کدام از موقعیت‌های مختلف زندگی رسول که شاهدش هستیم، از غم و شادی‌اش به وجد نمی‌آییم و فقط از دور نظاره‌گر کارهایش هستیم؛ کارهایی بشدت معمولی که از حدی مشخص فراتر نمی‌رود. تغییر و تحولات درونی رسول از ابتدا تا پایان فیلم چیزی نیست که بتواند به موتور محرکه فیلم تبدیل شود. پرهیز از پیچیدگی در روایت، تمهیدی از سوی کارگردان برای ساخت فیلم بوده ولی این جنس از سادگی برخلاف فیلم‌های قبلی میرکریمی چیزی نیست که پر از جزئیات پرکشش باشد.

با وجود نقدهای مرتبط با «نگهبان شب» نباید این فیلم را ضعیف قلمداد کنیم. شاید اگر یک کارگردان فیلم‌اولی این فیلم را می‌ساخت، می‌شد از بعضی ضعف‌های فیلم گذشت اما این فیلم در کارنامه میرکریمی، عقب‌تر از دیگر فیلم‌هایش می‌ایستد.

میرکریمی با توجه به ضعف‌های فیلم‌های اخیر برای ساخت «قصر شیرین» تصمیم گرفت برای نوشتن فیلمنامه به سراغ فیلمسازی جوان و با ایده‌ای به نام محسن قرایی برود. در نهایت «قصر شیرین» یک فیلم جاده‌ای خوش‌ساخت و سرحال درآمد و بار دیگر درک بالای کارگردانش از سینما را به رخ کشید، اما این اوج گرفتن میرکریمی بار دیگر با سکته همراه شد تا «نگهبان شب» برخلاف انتظارها، آن چیزی نباشد که طرفداران سینما از این کارگردان انتظار داشته باشند. «نگهبان شب» بیش از اندازه فیلم ساده‌ای است و آن پیچیدگی‌های آشنا در فیلم‌های میرکریمی را ندارد. ساده بودن داستان در سینمای میرکریمی موضوع غریبی نیست.